

اعتبار آزمایش‌های پزشکی

بحث در اعتبار آزمایش‌ها و نظرات کارشناسی پزشکی است. گفتیم در صورتی که این آزمایش‌ها و نظرات موجب علم نباشند باید در مورد حسی یا حدسی بودن آن‌ها بحث کنیم چرا که بین آن‌ها در آثار تفاوت‌های متعددی وجود دارد از جمله اینکه در مسائل حسی، نظرات مبتنی بر حدس و کارشناسی فاقد اعتبار است و لذا نظرات منجمین در قابلیت رویت هلال ماه اگر بر اساس حدس باشد معتبر نیست و انکار قول منجمین در اثبات اول ماه بر همین اساس است چون هلال امری حسی است و در امور حسی، خبر مبتنی بر حدس فاقد ارزش است و قول خبره در امور حدسی حجت است نه در امور حسی چرا که عمده دلیل حجیت قول خبره، سیره و ارتکاز عقلایی است و این سیره و ارتکاز بر پذیرش خبر مبتنی بر حدس در مواردی که طبیعتاً و ماهیتاً حسی است وجود ندارد و دلیل دیگری هم نیست.

و البته گفتیم قول منجمین در عدم خروج ماه از محاق چون بر اساس مقدمات ریاضی و حسی است معتبر است (بر خلاف قول به امکان رویت که حدسی است) و بر این اساس هم اگر بینه به رویت هلال شهادت بدهد و منجم بر عدم خروج ماه از محاق، تعارض واقع خواهد شد.

خلاصه حجیت خبر حدسی و قول خبره مشروط به این است که مورد خبر از موارد حسی نباشد و گرنه فاقد اعتبار است.

ضابطه حسی یا حدسی بودن را هم قبلاً بیان کردیم و گفتیم چنانچه مقدمات برای نوع افراد (اگر در دسترس آن‌ها قرار بگیرد) به نتیجه واحد برسد، مساله حسی است اما اگر همان مقدمات برای نوع افراد به نتیجه واحد منجر نشود مساله حدسی خواهد بود.

در هر حال اعتبار خبر مبتنی بر حصول علم برای مخبر است و خبر مخبر که عالم به مساله نباشد فاقد حجیت است (چه خبر حسی باشد و چه حدسی) مگر اینکه بر اعتبار آن ظن و گمان دلیلی داشته باشیم، اما اگر خبر مخبر بر اساس علم خودش باشد، چنانچه مساله از امور حسی باشد، فقط خبر حسی معتبر است و اخبار حدسی در امور حسی فاقد اعتبار است و اگر مساله از امور حدسی باشد، حجیت خبر در آن مبتنی بر پذیرش حجیت قول خبره است.

به نظر همین نکته در فتاوی برخی علماء مورد توجه قرار گرفته است:

سوال: چنانچه دلیل اثبات جرم منحصر به نظر کارشناسی مانند کارشناس انگشت نگاری یا پزشکی قانونی باشد بفرمایید آیا از نظر شرعی چنین دلیلی حجیت دارد؟ در صورت حجیت آیا دلیل مستقلاً محسوب می‌شود یا حجیت آن مشروط به شرایط بینه است؟

جواب: اگر روشن باشد به حدی که هر کارشناس همان نظر را می‌دهد حکم بینه را دارد ولی در اکتفای آن در باب حدود اشکال است.

یا در استفتای دیگری آمده است:

ولی راه‌هایی که مطلب را روشن می‌کند به طوری که هر کس از آن راه علم پیدا کند و اجتهاد شخصی در آن دخالت ندارد، بینه است و کافی است ولی در اجرای حدود کافی نیست.

که مفاد آن این است که نظرات کارشناسی مبتنی بر اجتهاد فاقد اعتبار است ولی نظرات کارشناسی مبتنی بر حس، بینه است. البته این پاسخ به نظر ما ناتمام است چون مفاد آن این است که نظرات کارشناسی در امور حسّی معتبر است و در امور حدسی فاقد اعتبار است در حالی که به نظر ما در امور حسّی، فقط خبر حسّی حجت است (به ملاک بینه یا غیر آن) اما این طور نیست که اخبار حدسی مطلقاً فاقد حجیت باشند بلکه اخبار حدسی فقط در امور حسّی فاقد اعتبارند اما در مسائلی که از امور حدسی هستند، چرا قول خبره و خبر مبتنی بر حدس حجت نباشد؟

پس آزمایش‌ها پزشکی گاهی از اساس موجب علم برای آزمایش‌کننده نیستند که در این صورت فاقد اعتبارند اما اگر برای آزمایش‌کننده موجب علم باشد، چنانچه مورد از مواردی باشد که این مقدمات برای نوع افراد به نتیجه واحد منتهی شود، از امور حسّی خواهد بود که در این صورت خبر آزمایش‌کننده تنها در صورتی حجت است که بر اساس حس باشد، اما اگر از مواردی باشد که این مقدمات بر نوع افراد به نتیجه واحد منتهی نشود، از امور حدسی است که پذیرش خبر آزمایش‌کننده در آن مبتنی بر حجیت قول خبره است.

پس نظرات مبتنی بر حس، حجت است چه موجب علم برای دیگران باشد یا نباشد. البته اینکه در صورت عدم افاده علم، حجیت آن بر اساس حجیت بینه است یا حجیت خبر یا چیزی دیگر اختلافی است. اما نظرات مبتنی بر حدس، چنانچه در مسائل حسّی باشد فاقد اعتبار است و اگر در مسائل حدسی باشد حجت است و حجیت آن بر اساس حجیت قول خبره است.

در برخی استفتائات دیگر بین اینکه نظر کارشناسی مفید علم باشد یا نباشد تفصیل داده شده است و اینکه اگر مفید علم نباشند فاقد اعتبارند و ما قبلاً هم گفتیم بعید نیست منظور این باشد که این نظرات به عنوان مستقل معتبر نیستند نه اینکه اگر مصداق یکی از حجج و امارات شرعی هم باشند باز هم فاقد اعتبارند. هر چند این توجیه نسبت به بعضی از این عبارات خیلی بعید است و ظاهر یا صریح آن‌ها این است که این آزمایش‌ها اگر موجب علم نباشند حتی اگر مصداق حجج و امارات شرعی هم باشند باز هم فاقد اعتبارند و این مطلب قابل التزام نیست. چرا اگر این امور مصداق بینه یا خبر ثقه باشند، حجت نیستند در حالی که در سایر امور حجت است؟ چه تفاوتی بین این موارد و سایر موارد وجود دارد؟